

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث رسید به آیات شریفه سوره مبارکه فصلت «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ، نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ». اجمال معنای آیهی شریفه این است که کسانی که معتقد به خدای تبارک و تعالی هستند و خدا را ربّ خودشان می دانند، الله تبارک و تعالی را ربّ واقعی خودشان می دانند، ربّشان را چیز دیگری قرار نمی دهند بلکه فقط خدا قرار می دهند. تدبیر امورشان را مربوط به خدای تبارک و تعالی می دانند در سوره فصلت و نسبت به این قولی که دارند استقامت داشته باشند. خدا می فرماید «تتنزل عليهم الملائكة» ملائکه بر اینها نازل می شوند، کجا ملائکه بر اینها نازل می شوند؟ بسیاری از مفسرین گفتند حین الموت ملائکه بر اینها نازل می شوند، یعنی این انسان هایی که در دنیا خدا را رب خودشان می دانند و استقامت در این اعتقاد دارند، در هنگام موت ملائکه بر اینها نازل می شوند. مشهور مفسرین گفته اند این نزول ملائکه در هنگام موت است، برخی گفتند در موقف دیگری هم هست مثل هنگام حشر، در مواقف ثلاثه برخی گفته اند وجود دارد. گفته اند «عند الموت و في القبر و عند البعث» که این خیلی مهم تر می شود، ملائکه با اینها هستند عند الموت، عند القبر و عند البعث.

ما باشیم و ظاهر آیهی شریفه؛ ندارد که این ملائکه نزول می کنند و بعد این را رها می کنند و برمی گردند! می شود يك چنین ظاهری را از آیه استفاده کرد که از خود آیه می شود استفاده کنیم که خدا می فرماید اینهایی که در دنیا گفتند ربّنا الله و استقامت ورزیدند، ملائکه بر اینها نازل می شود و در نزد اینها هستند. به اینها می گویند «ألا تخافوا و لا تحزنوا» خوف نداشته باشید و حُزن هم نداشته باشید، فرق میان خوف و حزن را مختلف بیان کردند، برخی گفته اند «الخوف إنّما يكون من مكروه متوقع» خوف نسبت به مکروهی است که در آینده بر انسان واقع می شود. ملائکه به اینها می فرمایند نسبت به آینده هیچ خوفی نداشته باشید، یعنی عذاب و گرفتاری ای در برزخ و در قیامت متوجه شما نیست و در انتظار شما نیست. ولی حزن نسبت به مکروه «إنما يكون من مكروه واقع و شرّ لازم كالسيئات التي يحزنون من إكتسابها والخيرات التي يحزنون لفوتها عنهم فالملائكة يقولون الذنوب مغفورة و العذاب مصروف عنهم» نسبت به حزن اینها نگرانند که اگر در دنیا گناهی کرده باشند، مکروه (یعنی شرّ) و بدی ای از اینها واقع شده باشد الآن آثارش ظاهر می شود، می فرماید نه «لا تخافوا و لا تحزنوا» که نتیجه ی این فرع می شود خوف نسبت به آینده است که ملائکه به اینها می گویند شما گرفتار عذاب نمی شوید. و حزن نسبت به گذشته است یعنی سیئات شما محو شد، این سیئات و ذنوبی که شما داشتید مغفوره است، «الذنوب مغفورة».

نکته این است که چون ملائکه می گویند «ألا تخافوا و لا تحزنوا» اطلاق دارد، یعنی شما هیچ خوف و حزنی نداشته باشید و ما اینکه این آیه را داریم مطرح می کنیم؛ اگر گفتیم ملائکه هنگام نزع روح می آیند و به این انسان می گویند «ألا تخافوا و لا تحزنوا» گفتیم خوف نسبت به آینده است و حزن نسبت به مکروه واقع است، یعنی همان موقعی که می خواهد نزع روح بشود. معنای آیه این است که انسان مؤمن و انسانی که می گویند «ربنا الله ثم استقاموا» هنگام نزع روح مشکلی ندارد چون ملائکه دارند به او چنین مطلبی را می گویند.

نکته این است که اولاً روشن کنیم که این «قالوا ربنا الله» روشن است که مراد قول لفظی نیست، یعنی اینکه کسی با زبانش

بگویند قالوا ربنا الله و تا آخر بر این گفتار پایدار بماند و بگوید «ربنا الله» این هم بشود استقامت در قول، مراد این نیست. مراد از این «قالوا ربنا» به قرینه اینکه «ثم استقاموا» یعنی کسی «إن الذين قالوا ربنا الله» یعنی «أي اعتقد بربوبية الله» قالوا فقط قول لسانی نیست، یقین کامل داشته باشد و معرفت تام داشته باشد، یقین دارد به اینکه الله ربّ، ربوبیت: که این معنای بسیار وسیعی دارد. آن وقت بعد بر این اعتقادش هم استقامت کند یعنی استقامت هم در اعتقاد و هم در ناحیه‌ی عمل است، استقامت فقط مجرد اعتقاد نیست، اگر يك کسی هم در اعتقاد و هم در عمل آمد بر آن اعتقادش پایدار بود، این را می‌گویند استقامت کرد و الا اگر مجرد استقامت در اعتقاد باشد این را تعبیر به استقامت نمی‌کنند. معنای استقامت این است که این انسان «لا یمیل إلی جانب الانحراف» از مسیر صراط مستقیم خارج نشود، یعنی این آدمی بوده که تمام زندگی‌اش را اعتقاداً و عملاً بر صراط مستقیم قرار داده، واجباتش را انجام داده، محرّمات را ترك کرده، يك آن شريك به خدا نداشته، در اعتقادات مشکلی نداشته، هر چه در زمان خودش فرقه‌های باطل و گروه‌های باطل بوده این محکم ایستاده، و واقعاً معلوم می‌شود آنچه که در ایمان و عمل صالح مطلوب خدای تبارك و تعالی هست استقامت در اینهاست. اگر يك کسی چهل سال خدا را قبول داشته باشد و اهل نماز شب هم باشد و خدایی نکرده انحراف پیدا کند فایده‌ای ندارد، حبط عمل می‌شود! آیه که می‌گوید «استقاموا» معنایش این است که «إلی آخر عمره استقاموا» و الا اگر کسی تا يك ساعت به آخر عمرش استقامت داشته باشد و در ساعت آخر نداشته باشد باز استقامت نداشته! استقامت در اعتقاد و در عمل ملازم است با اینکه تا آخر عمر استقامت داشته باشد، تا آن لحظه‌ی آخر. اگر يك انسان مؤمن استقامت در ایمان و در عمل صالح داشته باشد حالا نتیجه‌اش از بعد الموت و حین موت شروع می‌شود. ملائکه بر او نازل می‌شوند.

درست است که ما نزول ملائکه را حتی در این عالم دنیا هم داریم، چون در خود این آیه می‌فرماید ملائکه نازل می‌شوند می‌گویند خوف نداشته باشید، نگران نباشید، «و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون» بشارت باد بر شما آن بهشتی که به شما وعده داده شده، «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة» ما اولیای شما هستیم در حیات دنیا و در آخرت، یعنی ما همراه شما بودیم در دنیا، ما مراقب شما بودیم در دنیا، کنار شما بودیم در کنار، الآن هم که عالم قبرتان شروع شده و می‌خواهید تا آخر بروید ما همراه شما هستیم، منتهی در دنیا انسان مؤمن ملائکه‌ی مسدّد، ملائکه مؤیّد، ملائکه‌ای که برای این انسان مؤمن دعا می‌کنند، استغفار می‌کنند، دعا و استغفار ملائکه سبب می‌شود که این مؤمن موفق به استقامت در اعتقاد و استقامت در عمل صالح بشود. این انسان او را نمی‌دیده ولی ملائکه می‌گویند «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا» آن وقت این مسئله مسلم است که ملائکه در ارواح بشر، در همین عالم دنیا تأثیراتی دارند، بسیاری از خواب‌ها و رؤیاهای صادق معلول تأثیرات ملائکه‌ای است که در این دنیا به عنوان ولیّ انسان و اولیاء انسان است، بسیاری از توفیق‌های الهی، اینکه انسان موفق می‌شود نماز شب بخواند، اینکه انسان موفق می‌شود يك عمل عبادی انجام بدهد، به مردم خدمت کند، اینها به برکت آن ملائکه‌ای است که خدای تبارك و تعالی به خاطر این انسان مؤمن آنها را موظف کرده که به او کمک کنند، تعبیری که مرحوم علامه طباطبائی رضوان الله علیه دارد، ایشان می‌فرماید «إنّ المراد» یعنی اینکه ملائکه می‌گویند «نحن اولیاءکم فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة المراد ولایتهم لهم بالتسديد و التأیید» این ملائکه این انسان تأیید می‌کنند. گاهی اوقات انسان در زندگی می‌بیند بعضی از افراد چقدر موفقند، چه توفیقاتی دارند، يك عالمی 50 - 60 سال يك دوره تفسیر می‌نویسد، يك دوره فقه می‌نویسد، چقدر طلبه تربیت می‌کند، اینها اینطور نیست که همینطور این انسان همه‌ی این امور را خودش رقم می‌زند، ما باشیم و این آیات شریفه: ملائکه‌ی مسدّد، يك انسان مؤمنی که هر روز موفق به نماز جماعت است را ملائکه کمک می‌کنند، آنها برایش دعا می‌کنند، مگر ما در مورد طالب علم نداریم کسی که دنبال علم هست ملائکه اجنبه‌ی خودش را برای آن انسان قرار می‌دهد، استغفار می‌کند برای او تا اینکه این انسان از منزل خارج شود و دوباره به منزل برگردد.

مرحوم علامه می‌فرماید «فإن الملائكة المسددين هم المخصوصون بأهل ولایت الله» اینها مخصوصند به آن ولایت خاصّ الهی نسبت به این انسان مؤمن، بعد می‌فرماید البته ملائکه مراقب همه‌ی انسان هستند، ملائکه رزق، ملائکه حرص، ملائکه آجال، این فرقی بین مؤمن و کافر ندارد! «و أما ملائكة الحرص و موكل الارزاق و الآجال و مشتركون بين المؤمن و الكافر» اینها بین مؤمن و کافر مشترکند، اما انسان مؤمن يك ملائکه‌ی خاصی که اینها در دنیا همراهش بودند، وقتی هم می‌خواهد نزع روح شود، این ملائکه همراهش هستند، آن موقع به این انسان مؤمن می‌گویند که خوف و حزن نداشته باشد و خیالت راحت باشد تو اهل

بهشت هستي و آن وعده‌اي که داده شده آن وعده مي‌خواهد محقق شود.

باز در مقابل در اين دنيا انسان واقعاً توجه ندارد، از يك طرف ملائكه الهي دنبال اين هستند كه اين انسان به سمت خدا برود و از طرف ديگر شياطين دنبالش هستند كه اين انسان از خدا دور شود، و اين بسيار عجيب است، يك تنازع و يك مقابله بين شياطين و ملائكه در اين عالم وجود دارد، هم ملائكه دارند تلاش مي‌كنند اين انسان را به سمت خوبي‌ها و خدا هدايت كنند و شياطين. و اين روايتي كه از وجود مبارك پيامبر(ص) رسیده «**لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَهُومُونَ عَلَي قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَىٰ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ**» اگر شياطين الهامات خبيثه را به قلوب بني آدم وارد نمي‌کردند، يعني انسان هر آن دنبال دنياطلبي برود، فكرش اين است كه چه كنم پول و مقام به دست بياورم، شهرت به دست بياورم، زندگي را توسعه بدهم! اينها از وسوسه‌هاي شياطين است «**لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَهُومُونَ عَلَي قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَىٰ مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ**» پيامبر فرمود اگر شياطين نبودند و قلوب بني آدم را وسوسه نمي‌کردند بني آدم مي‌توانستند ملكوت آسمان‌ها را ببينند.

پس «**نحن اولياءكم في الحياة الدني**» يعني ملائكه در حيات دنيا كاملاً از اين انسان مراقبت كردند و در ارواح و مكاشفات مؤمنين تأثير داشتند، در الهاماتي كه به آنها شده، كما اينكه شياطين هم نسبت به اين ارواح با القاء وسوسه‌ها تأثير دارند. نکته اين است كه اين ولايتي كه ملائكه الهي دارند باقي است و حتي بعد از مرگ هم باقي مي‌ماند و تا قيامت هم باقي مي‌ماند و به تعبير برخي از مفسرين ولايت ملائكه‌ي الهي بر روح مؤمن بعد از موت به مراتب اقوا است از آنچه كه در دنياست، اين خيلي نکته‌ي مهمي است. اين مؤمن در دنيا گرفتار علايق جسماني و مادي است لذا ملائكه تا يك حدّي مي‌توانند نسبت به اين انسان مؤمن تأثير بگذارند ولي وقتي كه اين انسان از اين علايق جسماني جدا مي‌شود تصرف ملائكه و تأثير ملائكه در اين انسان به مراتب اقوا مي‌شود. تعبير اين است كه وقتي انسان از دنيا مي‌رود و اين علايق جسماني كنار مي‌رود، خود اين مي‌شود از جنس ملائكه، وقتي از جنس آنها شد تاثيرات ملائكه بيشتر مي‌شود.

پس اين آيه شريفه كه دلالت دارد بر اينكه اگر يك انساني در دنيا اعتقاد به ربوبيّت خدا داشته باشد و استقامت در قول، اعتقاد و عمل داشته باشد. عرض كردم اگر حتّي يك دقيقه به آخر عمرش خدايي نكرده از اين اعتقاد دست بردارد اين استقامت نداشته، زماني مي‌گويند اين انسان استقامت داشت كه تا آن لحظه‌ي آخر هم اين اعتقاد در او باقي بماند، وقتي استقامت داشت آن موقع «**تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ**» ملائكه بر آنها نازل مي‌شوند. كه از اين جمله‌ي «**نحن اولياءكم في الحياة الدني**» قرينه مي‌شود كه اين «تَنْزِلُ» نه اينكه الآن يك نزول محقق نشده، تنزل بوده ولي الآن دارند اخبار مي‌كنند به اينها كه ما همراه شما بوديم و در دنيا وليّ شما بوديم و الآن هم كه هنگام موت‌تان هست ما وليّ شما هستيم.

مي‌خواهيم اين را عرض كنيم كه از اطلاق «**أَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا**» استفاده مي‌كنيم كه نزع روح اين انسان مؤمن خيلي راحت است، اگر بنا باشد نزع روح او مشكل باشد خوف دارد. مگر اينكه بگوئيم اين «**أَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا**» براي بعد از نزع روح است كه اين يك مقدار خلاف ظاهر آيه شريفه است. اكثر مفسرين مي‌گويند «**تَنْزِلُ**» يعني «**حين الموت**» و بعد مي‌گويند «**وفي القبر و في القيامة**».

نكته‌ي جالب در اين آيه اين است كه ملائكه در اينجا بعد از اينكه مي‌فرمايند «**أَلَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا**» كه ما اين استفاده را كرديم كه وقتي اطلاق دارد يعني در هنگام نزع روح ملائكه هستند، اگر يك نكته‌اي در ذهن آقاياں باشد ما قبلاً گفتيم نزع روح گاهي يك ملك است و گاهي چند ملك است، اينطور نيست كه يك ملك بايد براي نزع روح يك انسان. در مؤمنين ملائكه هستند و اجتماع اين ملائكه موجب آرامش براي اين انسان مؤمن است، وقتي يكي باشد يا چند ملك باشند آن هم با چهره‌هاي خوشحال كننده اين براي مؤمن آرامش دهنده است، اين آيه هم مي‌فرمايد «**تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ**» ملائكه مي‌آيند و نزع روح او خيلي آسان واقع مي‌شود.

نكته اين است كه «**وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ**» مگر قرآن و پيامبران قبلاً به مؤمن بشارت بهشت ندادند؟ سؤال اين است كه بشارت آنجايي است كه يك خبر خوش جديد به انسان بدهند، الآن بيايند به شما بشارت بدهند كه بچه‌دار شديد، به شما

بشارت بدهند که فلان شخصي که منتظرش بودید آمد، ولي اگر قبلاً به شما گفته باشند که شما بچه‌دار شدید و دوباره بیایند به شما بگویند این خبر دوم عنوان بشارت نیست! چرا اینجا فرموده «وَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» با اینکه این خبر قبلاً به مؤمن داده شده؟ جواب این است که اینجا «وَابَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ» مجرد خبر نیست، خود جَنَّت مورد بشارت است و می‌گویند جَنَّت را ببینید، نمی‌آیند در حین موت بگویند که ای مؤمنین شما اهل بهشت هستید! نه، نمی‌گوید بهشت داده می‌شود که شما «من أهل الجنة» هستید بلکه می‌گوید این جَنَّتِ که شما به آن وعده داده شدید را ببینید، و لذا در بعضی روایات هست که جَنَّتِ را که به اینها وعده داده می‌شود را می‌بینند و البته داخل نمی‌شوند! سه تا عنوان است؛ یکی اینکه بشارت بدهند بگویند شما اهل بهشت هستید، دوم اینکه نشان بدهند بگویند بهشت این است، سوم هم ورود در بهشت است. ورود در بهشت و جهنم مربوط به قیامت است، اما دیدن بهشت مربوط به عالم برزخ است و جای مؤمن را در بهشت و در عالم برزخ نشان می‌دهند و با همین حال در خوشی و لذت در برزخ می‌ماند تا روز قیامت، چون جای خودش را در بهشت می‌بیند. این نکته‌ای است که در مورد ابشروا عرض کردیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين